روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ ■ ۱۷ شعبان ۱۴۳۸ ■ ۱۴ مه ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۱۵۹ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ ۱۱۷۸ سال و ۱۵۷ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.09 ■ No.2159 ■ Sun.May.14, 2017 ■ ISSN:2008-2886

حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی:

صدای نارضایتی مردم را بزودی خواهید شنید

صفحه ۲

وزیر سابق اقتصاد آمارسازی دولت در شاخص‌های اقتصادی را تشریح کرد

رقم رشد اقتصادی کشور در سال ۹۵ دروغ است

صفحه ۱۶

چرا دولت حسن روحانی برنامه‌های محمدباقر قالیباف و سیدابراهیم رئیسی برای بهبود معیشت محرومان را پوپولیسم می‌داند؟

توپولیسم!

صفحه ۲

عکس: فرج صمدی، ایرنا

«نه» به هتک حریم فرهنگیان

یادداشت امروز

محمد واعظی: مناظره سوم بنا بود عرصه کند و کاو «اقتصاد» کشور و معیشت و کرامت مردم باشد و در ذیل موضوع، نامزدهای انتخاباتی برنامه خود برای برون‌رفت از وضعیت رکود و ضعف معیشتی جدی آحاد جامعه را اعلام کنند. اما همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد نامزدهای مدافع ادامه وضعیت موجود با اتکا به تزویر و حیله فضا را به سمت دفاع از رویه عدم شفافیت اقتصادی، رانت‌خواری و فساد دولتی سوق دادند تا در بحبوحه اتهام‌زنی به نامزدهای جبهه انقلاب بتوانند اسناد ویژه‌خواری‌های خود و اطرافیان‌شان را پنهان نگاه دارند.

انتظار این بود که با توجه به باز شدن پرونده وضعیت فرهنگیان و نظامات منحرف شده آموزش‌وپرورش، در مناظره نهایی اقتصاد معلمان و مدارس و کرامت شغلی فرهنگیان مورد توجه ویژه قرار گیرد اما متاسفانه چنین نشد و بحث‌های مهم معیشتی متناظر بر زندگی آحاد جامعه به عمد از قلم افتاد. هدف این بود که نه موضوع «افزایش یارانه دهک‌های پایین جامعه» برای مردم باز شود و نه فساد صندوق ذخیره فرهنگیان و حیف و میل سهم معلمان و منزلت معلمی در عرصه رقابت‌ها درشت شود! اما «وطن‌امروز» به دلیل حساسیت ویژه نظام، رهبرحکیم انقلاب و اقشار مختلف جامعه نسبت به وضعیت آموزش‌وپرورش و فرهنگیان کماکان مصر بر بررسی پرونده است.

■ معلم‌محوری سند تحول

مطابق آنچه در سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت ایران آمده یکی از بزرگ‌ترین اهداف ایجاد تغییر در ساختار آموزش‌وپرورش تقویت جایگاه و منزلت فرهنگی و اجتماعی معلمان از طریق ایجاد سازوکارهای اختصاصی است. تاکید سند بر معلم محوری و توانمندسازی معلمان نشانه‌ای است از درک وضعیت فرهنگیان و تصمیم جمهوری اسلامی ایران برای افزایش رتبه شغل شریف معلمی در جامعه به عنوان زیرسازه‌ای حیاتی در مسیر اصلاح ساختار آموزش‌وپرورش کشور. با این احتساب تغییر جهت دولت غربگرای حسن روحانی از مسیر اجرای اسناد بالادستی مصوب کشور به سمت اسنادی همچون «آموزش همگانی یونسکو» و «سند ۲۰۳۰» که مرحله بنیادین اجرای آن منطبق بر حذف «معلمان متعهد» و «متدین» از ساختار وزارت آموزش‌وپرورش است، انحرافی غیرقابل اغماض و بسیار مهم محسوب می‌شود. کما اینکه پیش‌تر لندن خواستار تغییر ساز و کار آموزش به اصطلاح «ایدئولوژیک» در ایران با تسلط بر حوزه آموزش و گزینش و استخدام معلمان شده بود. بر همین اساس به نظر می‌رسد پروژه مدنظر انگلیسی‌ها از سر ناآگاهی، غفلت یا احیانا نفوذ صاحبان اندیشه‌های مسموم در ساختار دولت یازدهم مو به مو به مرحله اجرا رسیده است که به سرفصل‌های مهمی از آن اشاره می‌کنیم.

■ حذف تعهد و تخصص

دولت روحانی در نخستین قدم، سازوکار استخدام در آموزش‌وپرورش را در رویه‌ای عجیب تغییر داد و عملا شرط «تعهد» و «تخصص» از مسیر گزینش معلمان با دور زدن رسمی سازوکار دانشگاه فرهنگیان حذف شد. محمد بطحایی، معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش‌وپرورش ۱۸ اسفند ۹۳ اعلام کرد: «درخواستی از سازمان مدیریت داشتیم و مقدمات آن نیز آماده شده است تا سهمیه استخدام ۵ هزار نفر را از سازمان مدیریت بگیریم. بر این اساس، تا یک ماه دیگر اطلاعیه برگزاری این آزمون اعلام می‌شود و داوطلبان با اولویت مربیان پیش‌دبستانی و نیروهای شرکتی به استخدام آموزش‌وپرورش درخواهند آمد؛ دوره یک‌ساله‌ای نیز در دانشگاه فرهنگیان برای پذیرفته‌شدگان برگزار خواهد شد».

از سوی دیگر علی‌اصغر فانی، وزیر وقت آموزش‌وپرورش ۲۴ فروردین ۹۴ پرده از غیرقانونی بودن این ماجرا برداشت و گفت: «مجوز استخدام شفاها داده شده است!»

بی‌اعتبار کردن دانشگاه فرهنگیان و تلاش برای جذب نیرو از مسیر غیرتخصصی و قانونی در شرایطی صورت گرفت که مراکز تربیت معلم با ۲۵ هزار نفر کاهش در جذب دانشجومعلم طی سنوات ۹۱ تا ۹۳ و همچنین ۲۵ هزار نفر جذب دانشجومعلم در سال ۹۴، از برنامه پنجم توسعه عقب بودند و جذب ۵۰ هزار نفر دانشجومعلم در آموزش‌وپرورش به تاخیر افتاده بود. با این حال مهرمحمدی، سرپرست جنجالی دانشگاه فرهنگیان، در نامه‌ای به جهانگیری درخواست عدم استخدام بورسیه‌های این دانشگاه به سبب آنچه برطرف شدن نیاز آموزش‌وپرورش به پروسه جذب از مراکز تربیت معلم می‌خواند را ارائه کرد که با ورود بموقع مجلس شورای اسلامی و اعتراض گسترده فرهنگیان پروژه از مسیر قانونی با شکست مواجه شد اما مطابق با رویه معمول امنیتی‌ترین دولت تاریخ ایران، به شکل چراغ خاموش و با گروگانگیری معیشت دانشجومعلمان و تاخیر مکرر در پرداخت کارانه تحصیلی ضمن خدمت آنها با مایوس کردن جامعه فرهنگیان اجرایی شد.

■ دیکتاتوری در شورایعالی

از طرفی دوام ۱۲ ماهه خلاف قانون مهرمحمدی بر کرسی سرپرستی دانشگاه فرهنگیان و قلع و قمع عناصر خدوم و اساتید متعهد و حتی تدوین برنامه ۴ ساله از سوی وی، به ایجاد تشنج در شورایعالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجع تصویب احکام رؤسای دانشگاه‌ها انجامید. ممانعت حسن روحانی در مقام رئیس شورا از بررسی پرونده مهرمحمدی و ۱۷ دانشگاه بدسرپرست، درگیری لفظی وی با فرهیختگان شورا را به همراه داشت که با کودتا در مسیر انتخابات از مسیر نفوذ در دبیرخانه شورایعالی انقلاب فرهنگی به تکمیل توطئه علیه آموزش‌وپرورش از مسیر وزارت علوم و کمیته ۳ نفره «فریدون» و سایر نزدیکان رئیس‌جمهور در نهاد ریاست‌جمهوری انجامید.

■ هشدار رهبر انقلاب

پس از خیزش مجدد فریاد اعتراض فرهنگیان، این بار رهبر انقلاب با تاکید مجدد بر ساختار دانشگاه فرهنگیان، متذکر شدند: «موضوع دانشگاه فرهنگیان از جهت آنکه جذب و آموزش معلمان از طریق آن انجام می‌شود، بسیار مهم است. همه فرآیندها در این دانشگاه بویژه بررسی صلاحیت‌ها برای جذب معلمان، محتوای دروس و انتخاب اساتید و اعضای هیات علمی باید سالم و مطابق با معیارهای اسلام و انقلاب باشد».

با این وجود با مهندسی مسیر نظارت شورایعالی انقلاب فرهنگی و رفتار سلطان‌مآبانه و تهدید محور شخص رئیس‌جمهور، مهرمحمدی رئیس دانشگاه فرهنگیان شد؛ کسی که پیش‌تر اعلام کرده بود هیچ اعتقادی به «تربیت معلم» ندارد و حتی در مقاله‌ای متذکر شده بود هیچ نقشی برای آموزش‌وپرورش در پرداختن به مباحث دینی و ایدئولوژیک قائل نیست و اساسا معتقد است «آموزش‌وپرورش نباید ایدئولوژیک باشد».

به این ترتیب راز تاکید مکرر دولت روحانی بر دوام وی در دانشگاه فرهنگیان مشخص شد؛ آنجا که هفدهمین کرسی یونسکو در ایران را در دانشگاه فرهنگیان بنا نهاد و برنامه سکولاریزه کردن آموزش‌وپرورش دولت یازدهم را که با تغییر نظام «گزینش» و حذف تعهد استخدام فارغ‌التحصیلان آغاز شده بود با نشست‌های گرم و صمیمی و گزارش دهی به مدیران یونسکو ادامه داد!

■ معلم ۴۰۰ هزار تومانی!

از طرف دیگر خصوصی‌سازی مدارس به عنوان مسیر جدید دور زدن استخدام معلمان و تضعیف معیشت آنها در دوره روحانی اجرایی شد.

ادامه در صفحه ۵

مشت خالی دولتی‌ها

نگاه امروز

امیر استکی: حتما برای‌تان پیش آمده است که با یک یا چند نفر دیگر بر سر مساله‌ای به مباحثه بپردازید. یکی از اتفاقاتی که در اکثر این مباحثات می‌افتد بالا رفتن صداهاست. یعنی در حالی که ۲ دسته براحتی صدای هم را می‌شنوند اما در کشاکش بحث هر لحظه صداها بالاتر می‌رود. مخصوصا آن شخص یا دسته‌ای که دست پایین‌تر را در استدلال دارد، بیشتر به سمت استفاده از صدای بلند برای غلبه بر حریف پیش می‌رود. شاید بتوان این حالت را نوعی حرکت غریزی برای ایجاد یک وجهه از استیلا بر طرف مقابل دانست. از قدیم‌الایام هم برای توصیف چنین حالتی از مثل «طبل تو خالی صدایش بیشتر است» استفاده کرده‌اند. هر چه طبل تهی‌تر باشد، صدایش بیشتر و بلندتر است. اگر بخواهیم این حالت را به سطوح کلان‌تر تعمیم دهیم باید بگوییم هر نوع فرافکنی و به میان آوردن مسائل غیرمرتبط و جار و جنجال هم شکل‌های دیگری از همان صدای بلند است. وقتی در یک کارزار انتخاباتی آنچه مطرح می‌شود بیش از آنکه یک واکنش طبیعی و قابل قبول نسبت به نقدها باشد، نوعی تند کردن و جنجال برپا کردن باشد، باید از خالی بودن دست طرف صحبت به میان آورد. ایجاد ترس موهوم و تبدیل کردن یک بحث بر سر کارآمدی به یک مساله امنیتی و حیاتی، شکلی جدید از سر گردنه‌گیری است. بر سر گردنه‌ای که توسط حرامیان قرق شده است و برای محصورشدگان در آن راه پس و پیشی نیست، تن دادن به خواسته‌های دزدان تنها راه منطقی پیش رو برای مسافران بخت‌برگشته است. طبعا در انتخاب بین مرگ و زندگی، در شرایطی که فقط پای منافع مادی در میان باشد، انتخاب زندگی امری طبیعی است. در زندگی اجتماعی هم هرگونه وضعیتی که کنشگر را به چنین استدلالی برساند، در حکم همان راهزنی خواهد بود. ایجاد این وضعیت تا حدود زیادی به تعریف جامعه هدف از وضعیت بد و غیرقابل قبول بستگی دارد و اگر گروهی نقطه ضعف‌ها و ترس‌های یک جامعه را بشناسند براحتی می‌توانند چنین وضعیتی را برای آنها ایجاد کرده و به مراد خود برسند. پس تا اینجا مساله دو شکل به خود گرفت؛ اول اینکه حرکت به سمت راه‌حل‌هایی غیرطبیعی و پر جار و جنجال در وهله اول ناشی از خالی بودن دست از چیزهای قابل دفاع، برای عرضه به مردم در برخورد با نقد منتقدان است و دوم اما اینکه در میان همه انواع فرافکنی و جار و جنجال، آن نوعی از آنها که مستقیما ترس‌ها و نقطه ضعف‌های مردم را نشانه می‌گیرند، نوعی از راهزنی و گروگانگیری خواهند بود.

ترس نسبت به جان، ترس نسبت به معیشت و ترس نسبت به آزادی از جمله مواردی هستند که این روزها به شکل‌های مختلف برانگیخته می‌شوند. دولت یازدهم به واسطه تند کردن فضای رقابت‌های انتخاباتی و استفاده از این ترس‌هاست که تلویحا همه نقدهای منتقدان درباره ضعف عملکردش را تایید می‌کند. هیچ نیازی نیست که منتظر باشیم جناب روحانی و دولتش اعتراف کنند که ناکارآمد بوده‌اند، بلکه مشاهده همین فرافکنی‌ها و تلاش‌ها برای برانگیختن ترس‌های سه‌گانه مذکور در میان مردم، خود به خود مشت خالی آنها را باز می‌کند. در روستاها و مناطق فقیرنشین شایعه‌ای به قوت در حال رد و بدل شدن است که در صورت رای ندادن به حسن روحانی یارانه آنها قطع خواهد شد. اینجا ترس از معیشت است که برانگیخته می‌شود. از این نکته که دولت روحانی با سیاست‌های رکودزای خود کار را به جایی رسانده است که یارانه ۴۵۵۰۰ تومانی برای بسیاری به یک کمک هزینه حیاتی تبدیل شده است که بگذریم، همین ایجاد ترس است که برای رای‌آوری مجدد بشدت مورد توجه قرار گرفته است.

مساله دیگری که با آن رعب‌آفرینی می‌شود، مساله برجام است. در وعده‌های انتخاباتی روحانی در سال ۹۲ بنا بر این بود که هم سانتریفیوژها بچرخد و هم چرخ زندگی مردم. در کوران مذاکرات بسیار فشرده هسته‌ای و در توضیح عواید آن برای ملت و در واکنش به منتقدان، همواره اینگونه بیان می‌شد که همه تحریم‌ها فردای برجام برداشته خواهد شد، خاصه تحریم‌های مالی و تحریم چرخه دلار اما پس از گذشت نزدیک به ۲ سال از اجرایی شدن برجام آنچه حاصل شده، نه وعده‌های رئیس‌جمهور و دولتش بلکه حداقلی از آنچه وعده می‌داده‌اند، است. تحریم‌های لجستیکی تا حدود بالایی رفع شده‌اند ولی تنگناهای مالی با تغییراتی اندک، به قوت خود باقی هستند و اگرچه دولت در مقام دفاع از عملکرد خود، هیچ‌گاه حاضر به پذیرش اشتباهاتش نبوده است ولی این موضوع منجر به گرایش شدید دولتمردان به تغییر دستاورد برجام از زمینه اقتصادی به زمینه امنیتی است. پس از آنکه معلوم شد تقریبا هیچ، عاید کشور شده است، ادبیات دولتمردان و شخص روحانی در چرخشی آشکار به این سمت رفت که زدوده شدن سایه جنگ از سر کشور را بزرگ‌ترین دستاوردهای برجام بدانند. این روزها با تکیه بر تحولات سیاسی اخیر ایالات متحده آمریکا، دولت و هوادارانش بر برانگیختن ترس بزرگ‌تری متمرکز شده‌اند؛ ترس از جنگ و ترس از جان و امنیت. آنچه از جانب آنها به ملت منتقل می‌شود، این است که هر گزینه‌ای جز روحانی می‌تواند سایه جنگ و ناامنی و تبدیل شدن ایران به سوریه و عراق را بر سر کشور بگستراند. به وضوح در اینجا عنصر ترس است که تلاش می‌شود مانند استدلال ساده و سرراست راهزنان و سر گردنه‌بگیران، به کار گرفته شود؛ یا مال یا جان و در اینجا یا روحانی یا سایه جنگ، آن هم زمانی که ترامپ دیوانه رئیس‌جمهور آمریکاست و داعش هم در کمین و منتظر از اقتدار افتادن دولت مرکزی برای گسترش حملات تروریستی در ایران است.

روحانی اخیرا در سخنرانی خود در میان هوادارانش، رقبایش را کسانی که سال‌ها پیش می‌خواسته‌اند در پیاده‌روها دیوار بکشند و زن و مرد را جدا کنند، معرفی می‌کند. باید مطرح شدن این مساله در کارزارهای انتخاباتی را تلاشی برای برانگیختن ترس از تحدید آزادی در میان هوادارانش دانست. تلاشی برای جلب رای اقشاری که مستعد ترس از چنین وضعیتی هستند.

روح و روان و امنیت فکری عده زیادی در کشور، هدف قرار گرفته است تا دولت روحانی برقرار باقی بماند. البته استعمال این تاکتیک سیاسی خشن، از دولتی که درصد قابل توجهی از اعضای کابینه‌اش را امنیتی‌های سابق تشکیل می‌دهند، دور از انتظار نیست اما طنز تلخ در این میان این است که این رعب‌انگیزی و ترساندن و بازی کردن نقش پهلوان پنبه، به عنوان کارآمدی و لیاقت به مردم عرضه می‌شود. مردمی که از طرف برپاکنندگان این بازی ترس و رعب، امید می‌رود صدای بلند وحشت این طبل تو خالی را به عنوان تدبیر و کارآمدی بپذیرند و رای‌های خود را برای تداوم کلیدداری پاستور، به پای دولت سرمایه‌دار-سیاستمداران کهنسال بریزند.

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

بازگشت همه به‌سوی اوست

همکار گرامی جناب آقای محسن جندقی

مصیبت وارده را به جنابعالی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحوم غفران و آمرزش و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم

وطن‌امروز